



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



بازدارندگی ضعیف آمریکا در مقابل ایران

حملات حوثی‌های یمن در هفته‌های اخیر به کشتی‌هایی که از تنگه باب‌المندب می‌گذرند، درخواست‌ها در واشنگتن را برای پاسخ نظامی قهرآمیز کاخ سفید به گروه‌های مورد حمایت ایران و حتی خود ایران افزایش داده است. برخی مقامات وزارت دفاع و همچنین افسران ارشد ارتش ایالات متحده در مورد آنچه که به نظر آنها واکنش نسبتاً محتاطانه ایالات متحده به حملات حوثی‌ها است، ابراز نگرانی کرده‌اند. اخیراً سناتور تام کاتن خواستار «تلافی گسترده» علیه نیروهای ایرانی در عراق و سوریه شده است و تیم اسکات، نامزد ریاست‌جمهوری، در جریان مناظره‌های جمهوری خواهان از «حمله به ایران، نه فقط به انبارها در سوریه» حمایت کرده است. درست است که حمایت‌های ایران از حوثی‌ها و برخی از گروه‌های شبه‌نظامی در منطقه آنها را قادر ساخته تا حملات پیچیده‌ای را علیه پرسنل و منافع آمریکا در عراق، سوریه، دریای سرخ و جاهای دیگر انجام دهند اما درخواست‌ها برای پاسخ به ایران نشان می‌دهد که بازدارندگی ایالات متحده به‌طور ناآسفاً ناکافی و در واقع ضعیف شده است. منافع اصلی آمریکا در خاورمیانه با حفظ آزادی تجارت و دریانوردی در منطقه‌ای تأمین می‌شود که مملو از منابع طبیعی استراتژیک و نقاط حیاتی ترانزیت کشتیرانی و تجارت جهانی است. حملات حوثی‌ها این منافع اصلی را به چالش کشیده است. تهدید حوثی‌ها را باید جدی گرفت، اما نیازی به وحشت یا واکنش بیش از حد نیست. تهران گهگاه تهدید به بستن تنگه هرمز می‌کند که ۲۱ درصد نفت خام جهان از آن عبور می‌کند، اما چنین اقدامی منافع اقتصادی خودش را هم تضعیف کرده و به روابطش با شرکای مهمی مانند چین آسیب می‌رساند. طی سال‌ها، ایران در تلاش‌های خود برای تضعیف منافع ایالات متحده در سراسر منطقه به خوبی عمل کرده است. نیروهای حوثی بر بسیاری از مناطق شمال یمن و دیگر مراکز بزرگ جمعیتی کنترل دارند. در عراق، شبه‌نظامیان شیعه سیاست و منابع را کنترل می‌کنند. در سوریه، حکومت اسد اساساً در مدار ایران است و در لبنان و فلسطین، حزب‌الله و حماس مستقیماً با اسرائیل درگیر می‌شوند. ایران همچنین شرکای کلیدی ایالات متحده را تحت فشار قرار داده است. هم سعودی‌ها و هم اماراتی‌ها به دنبال این بوده‌اند که از طریق توافق‌های عادی‌سازی، تهران را راضی کنند. سابقه خشونت ایران علیه نیروهای آمریکایی نیز قابل توجه است. سرانجام، ایران توانسته است حملات حماس در ۷ اکتبر، که خاورمیانه را دگرگون کرده، توافق عادی‌سازی میانجیگری آمریکا بین عربستان سعودی و اسرائیل را از مسیر خارج کند. با این حال منافع اصلی واشنگتن در خاورمیانه آسیب جدی نمی‌بیند. ایران نتوانسته واشنگتن را از هیچ‌یک از شرکای عرب خود جدا کند. تنش بین آنها واقعی است، اما با وجود همه نگرانی‌ها و شکایات ریاض یا ابوظبی در مورد سیاست ایالات متحده، هر دو خواهان بهبود روابط با واشنگتن هستند نه قطع روابط. ایران نیز به هژمونی منطقه‌ای دست نیافته است. بازدارندگی ایالات متحده، همراه با مقاومت محلی در برابر مدل پیشنه‌های تهران، ایران را از تثبیت تسلط منطقه‌ای باز داشته است. هیچ‌کدام از اینها به این معنی نیست که شبه‌نظامیان منطقه‌ای ایران چندان مهم نیستند. آنها یک مشکل استراتژیک هستند که تنها در صورتی که راه‌حلی برایشان پیدا نشود، رشد خواهند کرد. اگر ایالات متحده فشار بیشتری بر ایران برای کنترل این نیروها وارد نکند، ممکن است شرکای منطقه‌ای آمریکا از واشنگتن فاصله بگیرند و با اقداماتی را دنبال کنند که به ضرر منافع ایالات متحده است. ضعف ایالات متحده می‌تواند اسرائیل را نیز در مقابل ایران جری کند و اگر درگیری رخ دهد، آمریکا نیز مجبور به ورود به رویارویی مستقیم با ایران خواهد شد و این دقیقاً همان چیزی است که واشنگتن سعی می‌کند از آن دوری کند. واشنگتن به تنهایی دانش، ابزار یا تمایلی برای اقدام علیه ایران به تنهایی ندارد. آمریکا مجبور است اعتماد شرکای منطقه‌ای خود را از طریق تضمین امنیت فیزیکی آنها بازیابی کند. یکی دیگر از اهداف آمریکا برقراری صلح بین اسرائیلی‌های میانه‌رو و فلسطینی‌ها است. واشنگتن معتقد است این صلح نتایج فاجعه‌باری برای ایران خواهد داشت.



▲ میرزا مسعود گرمه‌رودی



▲ میرزا حسین موتمن‌الملک



▲ میرزا علیقلی خان انصاری

خاندان دیپلمات

بازخوانی کارنامه انصاری‌ها از دستگاه سیاست خارجی قاجاریه تا پایان پهلوی



داوود دشتیانی

خبرنگار گروه دیپلماسی

خاندان مسعودانصاری در دوره‌های مهمی چون جنگ هرات دوره محمدشاه و ناصرالدین‌شاه و همچنین جنگ جهانی اول و اعزاز هیئت ایران به کنفرانس صلح روسای تا برقراری روابط با دولت شوروی

انقلابی شوروی و قرارداد مهم مؤدت میان ایران و شوروی سکاندار دستگاه سیاست خارجی ایران بودند و تعدادی از آنان نیز به‌عنوان سفیر و دیپلمات به ایران خدمت کردند

نویسندگی و پژوهش در علوم کتابداری پرداخت و با علامه دوران مهدی محقق، رئیس هیئت‌مدیره انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ازدواج کرد و اکنون از بزرگان زنده فرهنگ و ادبیات ایران محسوب می‌شود.

خاندان مسعودانصاری در دوره‌های مهمی چون جنگ هرات دوره محمدشاه و ناصرالدین‌شاه و همچنین جنگ جهانی اول و اعزاز هیئت ایران به کنفرانس صلح روسای تا برقراری روابط با دولت انقلابی شوروی و قرارداد مهم مؤدت میان ایران و شوروی سکاندار دستگاه سیاست خارجی ایران بودند و تعدادی از آنان نیز به‌عنوان سفیر و دیپلمات به ایران خدمت کردند.

▼ شروع سروری خاندان انصاری

داستان خاندان انصاری از کنار یکی از مصلحان تاریخ معاصر ایران یعنی عباس‌میرزا آغاز شد که با گردآوردن فرهیختگان و دلسوزترین دیوانسالاران قصد داشت به نوسازی ایران همت گمارد. میرزاسعود ایشلیقی گرم‌رودی پسر میرزا عبدالرحیم، وزیر آذربایجان نخستین محصل ایرانی بود که زبان فرانسه را نزد فرانسوی‌ها فرا گرفت. مسلط به زبان‌های فرانسه و روسی بود و متن فرانسوی عهدنامه ترکمانچای را به فارسی ترجمه کرد. میرزاسعود نخست به‌عنوان مستوفی آذربایجان در کنار عباس‌میرزا به خدمت قاجاریه درآمد و به مرور پله‌های ترقی را طی کرد. زمانی که سفیری از جانب ناپلئون بناپارت به ایران آمد در دربار به دنبال کسی بودند که بتواند سخنان این مرد فرنگی را ترجمه کند و دیپلمات او و شاه شود؛ قرعه به نام میرزاسعود گرم‌رودی افتاد.

این زبان را آموخته بود و به همین واسطه به تهران فراخوانده شد. پس از آن بود که گریبایدوف، وزیر مختار روس در تهران، بر سر بازگرداندن زنان گرجی و ارمنی که در تهران به ازدواج رجال قاجاری درآمد بودند، غائله‌ای به پا کرد و خشم عوام را برانگیخت و خود بر سر این غائله جان باخت. میرزاسعود ماموریتی دیگر یافت که ارج و قربش را بیشتر کرد. به فرمان عباس‌میرزا، هیئتی به ریاست خسرو میرزا فرزند او برای مذاکره با پاسکویچ

فرمانروای کل قفقاز اعزام و سپس این هیئت به منظور عذرخواهی، رهسپار پترزبورگ گردید که میرزا مسعود نیز همراه آنان بود. میرزاسعود پس از فوت فتحعلیشاه، با شاه بیگم ضیاءالسلطنه دختر فتحعلیشاه ازدواج کرد و بیش از پیش به دربار قاجار نزدیک شد و حدود ۱۵ سال، تمام دوران محمدشاه نوه فتحعلیشاه و پسر عباس‌میرزا و اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه وزیر امور خارجه بود. دوران محمدشاه قاجار یکی از پرفروغ‌ترین دوران تلاش برای تجدد و نوسازی در ایران بود که کمتر به آن پرداخته شده است. در دوران محمدشاه پنج تن از جوانان مستعد ایرانی برای تحصیل به اروپا گسیل شدند که میرزا حسین‌خان سپهسالار صدراعظم آینده ایران و میرزا صالح شیرازی، نخستین روزنامه‌نگار ایرانی از آن جمله بودند. نخستین روزنامه ایران یعنی کاغذ اخبار در دوران محمدشاه منتشر شد و نخستین چاپخانه سنگی نیز در همین دوران در اصفهان شروع به کار کرد. محمدشاه ضمن فرمان آزادی اعتقاد و دین به نوسازی سازمان اداری حکومت همت گماشت و حکومت مرکزی را در مقابل خودسری حاکمان ولایات تقویت کرد. میرزا مسعود در چنین دورانی که روابط محمدشاه با اروپایی‌ها نیز گرم بود سکان وزارت امور خارجه را برعهده داشت. جنگ هرات و تهدید نظامی ایران از سوی انگلیس در این دوران رقم خورد.

میرزاسعود در سال‌های ۱۲۵۵ و ۱۲۵۶ هـ.ق حاکم خراسان بود و در وضعیتی غیرمعمول همچنان پست وزارت امور خارجه را نیز برعهده داشت و کارها را به پسرش میرزا علی انصاری محول کرده بود. پس از مشخص شدن اشتباه پسرش در سال ۱۲۵۶ هـ.ق، از کار برکنار شد و میرزا ابوالحسن خان شیرازی که در دوره فتحعلیشاه وزیر امور خارجه بود، جانشین او شد. پس از مرگ ابوالحسن شیرازی، او مجدداً وزیر امور خارجه شد و تا زمان پادشاهی ناصرالدین‌شاه، عهده‌دار این سمت بود. او سرانجام در سال ۱۲۶۵ ق در عتبات عالیات در ۶۰سالگی از دنیا رفت. پس از درگذشت میرزاسعود انصاری، سکان وزارت امور خارجه مدت کوتاهی در اختیار محمدعلی شیرازی بود و پس از او به میرزاسعدیدخان انصاری موتمن‌الملک پسرعموی میرزاسعود سپرده شد. میرزا سعیدخان انصاری ابتدا از ملاهای خوش‌نویس و فاضل گرم‌رود آذربایجان و به ملامحمدسعید انصاری معروف بود. در ذی‌القعدة ۱۲۶۴ هـ.ق که ناصرالدین‌شاه به‌همراهی امیرکبیر از تبریز برای جلوس به تهران می‌آمد، ملامحمدسعید در قریه باسمنج برای تقدیم عرض حالی به خدمت امیر رسید. امیر چون خط و ربط او را پسندید وی را به خدمت خود گرفت و هنوز تهران نرسیده او را منشی و کاتب اسرار خود کرد چنان‌که در تمام مدتی که امیر بر سر کار بود یک قسمت از احکام و دستورهای او به خط خوش همین